



## دریای مازندران در عرصه سیاست جهانی رژیم حقوقی، منافع ملی، امنیت عمومی

دکتر میرطیب موسوی\*

### چکیده

در ابتدا باید درباره نام این دریا بحث نمود که چرا ایرانی‌ها آن را «دریای مازندران» و گاهی خزر می‌نامند؟ در نقشه کشورهای عرب «بحر قزوین» و بسیاری از کشورهای جهان آن را Caspian Sea اطلاق می‌کنند. آیا برابر قواعد و ضوابط حقوق بین‌الملل خزر دریا یا دریاچه است؟ سابقه بهره‌برداری آن قبل و بعد از انقلاب ۱۹۱۷ شوروی چگونه بوده و چرا بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی موقعیت ژئوپلیتیک منطقه مورد توجه سیاست جهانی قرار گرفته است؟ اهمیت منابع طبیعی غذایی دریا، وضعیت حمل و نقل، بنادر و تأثیر آنها بر جوامع و ساکنین اطراف دریا چیست؟ و مهم‌تر آنکه میزان نفت و گاز ساحلی، زیر بستر دریا و موقعیت منابع و چگونگی تقسیم منابع سوخت فسیلی بین کشورهای محاط از مسایل مهم جهانی بوده و تقسیم منابع فسیلی یا رژیم حقوقی و راه‌های انتقال منابع به بنادر و بازارهای مصرف بین‌المللی یکی از مؤلفه‌های مهم استراتژیک کشورهای حاشیه دریا، دولت‌های مؤثر منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی است. مواضع دولت‌های ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان در مورد تقسیم منابع کف دریا و رژیم حقوقی و همین‌طور نقش فدراسیون روسیه، ترکیه و سیاست اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا در انتخاب مسیر، لوله‌گذاری و انتقال نفت و گاز از مسایل بحث‌برانگیز دو دهه اخیر بوده است.

### کلید واژه‌ها

دریای مازندران، رژیم حقوقی، منابع نفت و گاز، مسیرهای انتقال منابع.

\* عضو هیأت علمی دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

## نام و جغرافیای دریای مازندران

در بعضی از نقشه‌های جغرافیایی ایران، دریای واقع در شمال ایران را «دریای مازندران» و گاهی «دریای خزر»، در نقشه جغرافیایی کشورهای عربی «بحر القزوين» و در نقشه جغرافیایی بسیاری از کشورهای جهان آن را «Caspian Sea» نوشته‌اند. کاسپ‌ها (کاسپین - قزوين) نام قدیمی اقوام ساکن در شمال ایران و خزر نام اقوام ساکن در شمال دریا (ناحیه روسی و قزاقستانی) بود. بنابراین ایرانی‌ها بهتر است آن را دریای مازندران بنامند. دریای مازندران حدود ۴۳۸۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. در واقع مساحت دریای مازندران دو برابر وسعت خلیج فارس و پنج برابر بزرگ‌تر از دومین دریاچه وسیع جهان Superior Lake واقع در بین آمریکا و کانادا است. حجم آب دریای مازندران ۷۷۰/۰۰۰ کیلومتر مکعب، در ازای آن ۱۲۰۰ کیلومتر، عرض متوسط آن ۳۲۰ کیلومتر، مجموع خطوط ساحلی حدود ۶۵۰۰ کیلومتر است. طول ساحل جنوبی (سمت ایران) ۹۹۲ کیلومتر، بیشترین عمق که عمدتاً سمت جنوب دریا و به سوی ایران است حدود ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و به سوی شمال عمق کمتر می‌شود تا به ۵ متر می‌رسد. دریای مازندران فاقد راه اتصالی طبیعی به دریای آزاد است و تنها از طریق کانال‌های ولگا - دن - (Volga - Don) که در سال ۱۹۵۲ به اتمام رسید، به دریای سیاه راه دارد.<sup>۱</sup>

## اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک دریای مازندران

از ۱۶۴۸ تاکنون، کانون سیاست جهانی، اوراسیا بوده است. از ۱۹۴۵ ایالات متحده آمریکا استراتژی سد نفوذ شوروی را با ایجاد اتحادیه‌های نظامی ناتو در اروپا، سنتو در خاورمیانه، سیتو در جنوب خاوری آسیا و آنزوس در حوزه اقیانوس آرام؛ پیاده و اجرا کرده است. به علاوه پیمان‌های دوجانبه امنیتی با تعدادی از کشورهای خلیج فارس، ژاپن، کره جنوبی امضا نمود. این اقدامات و تمهیدات برای ژئواستراتژیک این منطقه صورت گرفته که هم از نظر اکونومیک و هم به لحاظ ژئوپلیتیک دارای اهمیت شایانی است. هنوز تئوری‌های «بازی بزرگ قرن» و دکترین «هارتلند»<sup>۲</sup> مکیندر و نظریه «ریملند»<sup>۳</sup> اسپایکمن، در این منطقه در دست اجرا است.<sup>(۱)</sup>

با حمله آمریکا به افغانستان و عراق و تأسیس سامانه پدافند ضد موشکی در جمهوری‌های چک و لهستان و برپایی انقلاب‌های رنگی در بعضی از جمهوری‌های پیشین عضو اتحاد جماهیر شوروی و اجرای طرح گسترش ناتو به شرق، نظریه مهار و سلطه تکمیل گردید. در چنین شرایطی دریای مازندران و منابع نفت و گاز آن برای کشورهای حاشیه دریا، کشورهای دربرگیرنده لوله‌های حامل نفت و گاز و همین‌طور کشورهای دریافت‌کننده و مصرف‌کننده نفت و گاز دریای مازندران اهمیت می‌یابد. به‌ویژه مسکو با اعلام این منطقه به‌عنوان Near abroad «خارج نزدیک» در مقابل «خارج دور» و نیز با انعقاد پیمان‌های امنیتی با کشورهای همسود - جدا شده از شوروی سابق - به مقابله با گسترش نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای برخاسته است. در این رویکرد، ایران تلاش نمود که نفوذ

۱. رود ولگا ۸۵ درصد آب دریای مازندران را تأمین می‌کند. این دریا از طریق راه آبی ولگا - بالتیک به دریای بالتیک و توسط کانال دریای سفید به دریای سفید متصل است. کانال ولگا - دن رود ولگا را به رود دن وصل می‌کند و از این طریق پنج دریای خزر، سیاه، سفید، بالتیک و آزوف به هم راه پیدا می‌کنند. حدود ۱۵۰ رودخانه بزرگ و کوچک به دریای مازندران می‌ریزد و حدود ۹۰۰ بندر و ۵۵۰ لنگرگاه در حوزه ولگا فعال می‌باشد.

2. Heartland  
3. Rim land

خود را با تأسیس اکو و کمک به کشورهای تازه استقلال یافته افزایش دهد. گرچه روسیه با برگزاری کنفرانس سال ۱۹۹۳ با شرکت قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان در صدد جلوگیری از افزایش نفوذ ایران برآمده است.<sup>(۲)</sup>

اهمیت ژئواکونومیک دریای مازندران به منابع انرژی آن باز می‌گردد. در پهنه جغرافیایی جهان حوزه اول و محل استقرار منابع عظیم نفت و گاز منطقه خلیج فارس است. سپس در جایگاه دوم نفت و گاز قلمرو فدراسیون روسیه واقع در سیبری و اورال بسیار با اهمیت بوده و آنگاه حوزه دریای خزر به عنوان حلقه واسط بین دو منطقه اصلی و در جایگاه سوم قرار دارد. در واقع منابع نفت و گاز خلیج فارس، حوزه خزر و منابع نفت و گاز قلمرو روسیه محور تولید و صدور انرژی فسیلی را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر ژاپن، چین، هند، پاکستان، ایران، ترکیه و اروپا محور مصرف سوخت فسیلی جهان را تشکیل می‌دهند. حوزه دریای مازندران و ایران مرکز تقاطع محور تولید و مصرف سوخت فسیلی جهان است.<sup>(۳)</sup>

## دریای مازندران: دریا یا دریاچه؟

نظر به اینکه شرایط و مقررات مربوط به دریا و دریاچه متفاوت و اجماع و اتلاق نام دریا یا دریاچه بر رژیم حقوقی و منافع کشورهای اطراف تأثیرگذار می‌باشد. لذا این بحث به صورت کوتاه مطرح گردید:

بعد از جنگ دوم جهانی، برای اولین بار دولت شوروی، به منظور جلوگیری از استفاده کشتی‌های دول متحد از دریای سیاه، مفهوم «دریای بسته»<sup>۱</sup> را مطرح و در سال ۱۹۵۶ حقوقدانان شوروی سه نوع دریای بسته را در کتاب حقوق بین‌الملل دریا مطرح نمودند:

- ۱- دریای محصور بین دو یا چند کشور. (بدون ارتباط با دریاهای دیگر).
- ۲- دریای محصور بین دو یا چند کشور (با ارتباط با سایر دریاهای بدون اینکه رژیم حقوقی آن توسط کنوانسیون بین‌المللی تنظیم شده باشد، مانند دریای اختسک و دریای ژاپن).
- ۳- دریای محصور بین دو یا چند کشور (با ارتباط با سایر دریاهای توسط یک یا چند تنگه باریک) ویژگی هر سه مورد بالا: اولاً برای دولت‌های غیرمجاور هیچ‌گونه حق دخالت عملی و حقوقی قایل نشده و دوماً انحصاری بودن منافع اقتصادی و امنیتی دریا برای دولت‌های محاط بر دریاست.

در کنفرانس ۱۹۸۲ حقوق دریاهای بسته به شرح زیر تعریف گردید: دریای بسته به یک دریای کوچک داخلی اتلاق می‌شود که توسط دو یا چند کشور محاط شده و توسط آبراه باریکی به دریای آزاد مرتبط باشد.<sup>(۴)</sup> تعریف دریای نیمه‌بسته: برابر کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو و کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل تعریف دریای نیمه‌بسته شبیه به همان دریای بسته است که راه خروجی باریکی به اقیانوس یا دیگر دریاهای داشته باشد، مشروط بر اینکه این دهانه در دریای سرزمینی یا منطقه انحصاری / اقتصادی کشورهای محاط واقع شده باشد. براساس این تعاریف دریای مازندران یک «دریاچه بسته» و یا یک «دریای نیمه‌بسته» محسوب می‌شود. اتصال مصنوعی آن (با حفر کانال) به دریای سیاه و دریای بالتیک موجب تغییر ماهیت آن نمی‌شود. نامیدن دریا و یا دریاچه نیز تأثیری در وضعیت حقوقی آن ندارد. چون در تعریف دریاچه آمده است: دریاچه به یک واحد جغرافیایی اتلاق می‌گردد که در اثر جمع

1. Enclosed Sea

شدن آب در نقاط معینی از پستی‌های زمین به‌وجود آمده و به‌طور طبیعی به‌دریای آزاد متصل نباشد.<sup>(۵)</sup>

## رژیم حقوقی دریای مازندران پیش از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه

رابطه دولت ایران با دولت روسیه تزاری از دوره حکومت پتر کبیر سیاسی - نظامی گردیده و قابل توجه می‌باشد، در حالی که قبل از آن بیشتر جنبه تجاری داشت و حتی گاهی دولت مسکو از حکومت ایران تقاضای کمک مالی و نظامی می‌نمود.

حکومت پتر کبیر در روسیه همزمان و معاصر با سلطنت شاه سلطان حسین صفوی در ایران بود. به‌طوری‌که شوالیه ورنن فرانسوی در مورد وصیت‌نامه منسوب به پتر کبیر می‌نویسد:

پتر دیر زمانی مصمم بود که ایالات شمالی ایران را، که اولین گام رسیدن به هندوستان محسوب می‌شد، به‌تصرف درآورد. در بند نهم وصیت‌نامه منسوب به پتر آمده است «هرچه بیشتر باید به‌اسلامبول و هندوستان نزدیک شد. کسی که در اینجاها حکومت کند، سلطان حقیقی جهان خواهد بود. بنابراین بایستی جنگ‌های مداوم بر ضد ایرانی‌ها ایجاد کرد ... در اضمحلال ایران باید تسریع کرد و بر خلیج‌فارس دست یافت و در صورت امکان راه تجارتی قدیم مشرق را از طریق سوریه تا هندوستان که به‌منزله انبار دنیاست دایر کرد، وقتی به‌آنجا رسیدیم می‌توانیم از طلای انگلستان صرف‌نظر کنیم»<sup>(۶)</sup>

تزار نماینده خود Artemy Valinsky را با اختیار تام ظاهراً برای انعقاد قرارداد تجاری به‌ایران اعزام نمود. ولی مأموریت اصلی والینسکی جمع‌آوری اطلاعات دقیقی از ایالات مجاور دریای مازندران بود و بخصوص اینکه آیا رودخانه‌ای وجود دارد که از هند سرچشمه گرفته و به‌دریای کاسپین بریزد؟ والینسکی معاهده‌ای با شاه سلطان حسین منعقد نمود که برابر مفاد آن، دولت روسیه می‌توانست کنسولگری در گیلان دایر نماید. ارامنه ایران مجبور بودند ابریشم به‌سن پطرزبورگ بفروشند.

شورش اهالی قندهار و هجوم افغانه به‌سمت پایتخت و تهدید اصفهان مرکز حکومت ایران سبب شد که شاه سلطان حسین و پسرش از روسیه تقاضای کمک بر ضد افغانه نمایند.

این تقاضا دست روس‌ها را جهت مداخله در امور ایران باز گذاشت. محمود افغان که از سیاست خارجی اصول روابط بین‌الملل ناآگاه بود، به‌نماینده روس اجازه داد که مسئله قتل یک شاهزاده روسی توسط تعدادی از بیک و لژگی را خود روس‌ها بررسی و به‌تنبیه دست‌اندرکاران مربوطه و جبران خسارت خود اقدام نمایند. روس‌ها از موقعیت نابسامان کشور و ناآگاهی مسؤولان سوءاستفاده نموده، گیلان، مازندران و استرآباد را تصرف کردند.<sup>(۷)</sup> تا قبل از انعقاد پیمان گلستان دو کشور ایران و روسیه به‌صورت مشاع و مشترک - هر کشور به‌اندازه نیاز و توان خود - از دریا بهره می‌بردند. پیمان گلستان (۲۱ اکتبر ۱۸۱۳) اولین عهدنامه‌ای است که در آن از رژیم حقوقی دریای مازندران یاد می‌شود که بدان اشاره می‌گردد:

**فصل سوم:** ولایات قراباغ، گنجه، شکی، شیروان، دربند و بادکوبه، داغستان، گرجستان و آبخاز از ایران منتزع و

به روسیه واگذار شد.

**فصل پنجم:** کشتی دولت‌های ایران و روسیه ماذون خواهند بود برای انجام معامله و یا دریافت کمک در مواقع طوفانی بودن دریا از مسوولین مربوطه در بنادر اعانت و یاری جویند. کشتی‌های جنگی دولت روسیه با علم و بیرق مجاز به تردد در دریای خزر می‌باشند و احدی از دولت‌های دیگر سوای دولت روس کشتی‌های جنگی در دریای خزر نداشته باشد.

**فصل سوم:** پیمان ترکمنچای (۱۰ تا ۲۷ فوریه ۱۸۲۸): خانان نخجوان و سرزمین‌های بالای رود فراسوی سفلی و تمام آبهایی که از آنجا به‌طرف خزر جاری است از آن دولت روسیه می‌گردد.

**فصل هشتم:** سفاین تجارتی روس و ایران به‌نحو سابق حق تردد در آب‌های یکدیگر دارند ولی در باب کشتی‌های جنگی روسی حق سیر در خزر را دارند و این امتیاز منحصر به‌همان کشتی‌ها خواهد بود.

## رژیم حقوقی دریای مازندران دوره اتحاد جماهیر شوروی (مسکو ۲۶ فوریه ۱۹۲۱)

**فصل اول:** دولت شوروی تمام معاهدات و مقاولات و قراردادهای که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نمود و حق ملت ایران را تضییع می‌نمود ملغی و از اعتبار ساقط شده اعلان می‌نماید.

**فصل دوم:** دولت شوروی استنکاف خود را از مشارکت در هر نوع اقدامی که منجر به تضعیف و محفوظ نماندن سیادت ایران شود، اعلان می‌دارد.

**فصل یازدهم:** دولت شوروی فصل هشتم پیمان ترکمنچای که حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود، از درجه اعتبار ساقط می‌داند لهذا طرفین معظمین متعاهدین رضایت می‌دهند که از زمان امضای این معاهده هر دو بالسویه حق کشتیرانی آزاد در زیر بیرق‌های خود در بحر خزر داشته باشند.

خلاصه قرارداد بازرگانی و بحر پیمایی بین دولت شاهنشاهی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (تهران ۲۵ مارس ۱۹۴۰ - ۳ فروردین ۱۳۱۹).

۱. تعیین یک محدوده ۱۰ مایلی ساحلی انحصاری ماهیگیری برای هر یک از کشورهای ایران و شوروی (بند ۴ از ماده ۱۲) ماهیگیری مشاع توسط دو کشور در بقیه سطح دریا.

۲. رعایت اصل رفتار برابر با کشتی دارای پرچم همسایه به‌هنگام ورود، توقف و خروج از بندرهای هر یک از دو کشور (ماده ۱۲).

۳. حق دریافت عوارض از پذیرش کشتی‌های خارجی حامل کالا (بند ۳ از ماده ۴).

۴. حق بهره‌برداری انحصاری کشتی‌ها (تجاری و نظامی) برای دو طرف در سراسر دریا (ماده ۱۳) نتیجه آنکه روح قرارداد مورد بحث حاکی از بهره‌برداری مساوی دو کشور از دریاست (مجموعه معاهدات، ش ۹، ۵۷) بنابراین براساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، روسیه، ایران و دیگر کشورهای حاشیه دریای خزر، از فقدان قراردادهای معتبر دیگر متعهد به‌اجرای این قراردادهای هستند.

## اهمیت اقتصادی دریای مازندران

یکی از مهم‌ترین عوامل اقتصادی دریای مازندران، تسهیل ارتباطات و حمل و نقل است که راه‌های گوناگون برای کشتیرانی و هر یک با اهمیت خاصی وجود دارد:

۱. خط کشتیرانی خزر - ولگا: از ولگا به ساحل فنلاند می‌رسد و وارد دریای بالتیک می‌شود و سپس به آب‌های آزاد می‌پیوندد. در واقع راه آبی خزر - ولگا - بالتیک ایران و سایر کشورهای حوزه دریای مازندران را به کشورهای شمال اروپا متصل می‌کند. برای ایران نرخ حمل بار از این راه در مقایسه با راه آبی خلیج فارس، ۵۰ تا ۷۰ درصد کاهش می‌یابد.

۲. خط کشتیرانی خزر - دریای سیاه - دریای مدیترانه: این خط از دریای مازندران به بندر آستارا خان در ساحل شمال غربی همین دریا می‌رسد و از راه ولگا وارد کانال ولگا - دن شده و به دریای سیاه متصل می‌گردد.

۳. خط کشتیرانی خزر - دریای سیاه - رود دانوب - بالتیک: از دریای مازندران در شمال دریا وارد مصب ولگا شده و پس از عبور از کانال ولگا - دن - دریای سیاه به دانوب می‌رسد. ایران از این خط کشتیرانی به کشورهای کنار رود دانوب، کشورهای شمال و جنوب اروپا متصل می‌شود.

۴. راه آبی میان بندر: بندرانزلی، ترکمن‌باشی، آستارا خان، باکو، لنکران و ...

از عهد قدیم دریای مازندران رتبه اول تولید ماهی خاویاری را در جهان داشته است. در ۴۸ صیدگاه ایران صید ماهی خاویاری ۱۰ هزار تن و صید چهار کشور دیگر حدود ۵۰ هزار تن است. حدود ۱۱۴ گونه و ۶۳ زیرگونه ماهی در این دریا وجود دارد.

بعد از فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ و تأسیس جمهوری‌های جدید ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و آذربایجان تعداد کشورهای حاشیه دریای مازندران از دو به پنج کشور رسید. وجود منابع نفت و گاز زیر بستر دریا Off shore و در حاشیه خشکی دریا On shore به اهمیت اقتصادی - سیاسی منطقه افزوده و سبب روی آوری شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز به این قسمت از جهان گردید. کشورهای منطقه‌ای مثل گرجستان و ترکیه و فرانطقه‌ای مثل چین، هند و کره جنوبی و قدرت‌های جهانی چون اتحادیه اروپا و آمریکا از بازیگران فعال این منطقه شدند.<sup>(۸)</sup> وجود منابع عظیم نفت و گاز در ساحل و زیر بستر دریا موجب چهار رویکرد همزمان شده است: رویکرد اول اینکه هر یک از کشورهای ساحلی تلاش دارد با ارائه دلایلی یک نوع رژیم حقوقی مطرح نماید تا به منابع بیشتری از نفت و گاز دسترسی پیدا کند. رویکرد دوم آنکه شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز برای اکتشاف، استخراج، لوله‌گذاری و صدور نفت و گاز به این منطقه روی آورده و سرمایه‌گذاری کلان کرده‌اند. سوم تبلیغات شدید ایالات متحده و اروپا مبنی بر وجود منابع عظیم نفت و گاز (حتی رقیب منابع خلیج فارس) در استقبال شرکت‌های نفتی بی‌تأثیر نبود، رویکرد چهارم: تلاش ترکیه، گرجستان، روسیه و ایران برای عبور لوله‌ها از خاک آنها قابل توجه بوده است.

## منابع انرژی و اثر آن بر سیاست کشورهای ساحلی

وجود منابع نفت و گاز در دریای مازندران و روی آوردن کشورهای صنعتی و مصرف‌کننده انرژی بدان، سبب

شده است که کشورهای اطراف دریای مازندران مواضع متفاوتی در زمینه رژیم حقوقی دریا انتخاب نمایند. به علت سکوت پیمان‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در مورد منابع زیر بستر دریا هر کشور حاشیه دریا سعی دارد سهم بیشتری از منابع نفت و گاز را به خود اختصاص دهد و برای رسیدن به این هدف کشورهای ذینفع از رژیم حقوقی که بیشتر منافع‌اش را تأمین نماید پشتیبانی می‌کنند و طبیعتاً سود کشور «الف» ممکن است به ضرر کشور «ب» باشد. هرگاه مسئله سود و زیان و گسترش نفوذ و توسعه قلمرو عنوان گردد، بلافاصله موضوع اقتصاد و امنیت مطرح می‌شود و به صورت طبیعی تعارض بین کشورهای حوزه دریای مازندران آشکار می‌شود. میزان ذخایر نفت و گاز کرانه‌ها و زیر بستر دریای مازندران بسیار مختلف و متفاوت اعلام شده است. براساس برآورد وزارت انرژی آمریکا، نفت از ۱۷ تا ۴۴ و حتی ۱۵۳ میلیارد بشکه و ذخایر گاز طبیعی از ۲۳۵ تا ۳۳۷ تریلیون مترمکعب می‌باشد که منابع نفت در شمال دریا و منابع گاز بیشتر در جنوب دریا نهفته است و وجود این منابع منطقه را به یک میدان رقابت بزرگ تبدیل کرده است.

در دهه ۱۹۹۰ آذربایجان با دعوت از شرکت‌های بزرگ نفتی امریکایی، اروپایی و آسیایی قرارداد معروف به «قرارداد قرن» را منعقد نمود. در فلات قاره شرق آذربایجان بیشترین منابع نفتی و در سرزمین و فلات قاره غرب ترکمنستان بیشترین منابع گازی منطقه نهفته است. قزاقستان هم دارای منابع نفتی و گازی قابل توجهی است. لذا آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان طرفدار تقسیم دریا بودند. ایران طرفدار استفاده مشترک از سطح و بستر دریاست. روسیه به صورت نرم و تدریجی از طرفداری رژیم مشاع مورد نظر ایران، به سوی رژیم تقسیم دریا، نظام مورد نظر آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان حرکت کرده است. این سه کشور در تقسیم منابع زیر بستر دریا و اعطای سهم در قراردادهای نفتی و یا در انتخاب محل عبور لوله‌های نفت و گاز از قلمرو روسیه تا حدامکان نظر مساعد روسیه را جلب نموده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران مسئله تأمین امنیت را بر موضوع اقتصادی مقدم می‌دارد. جمهوری اسلامی می‌گوید: حضور قدرت‌های غربی، گسترش ناتو به شرق و تأسیس پایگاه‌های نظامی در منطقه سبب گسترش نفوذ و سلطه غرب بر منطقه خواهد شد. آمریکا و اتحادیه اروپا در پی تأمین منافع خود بوده و تمایل دارند نفت و گاز مورد نیاز خود را از کشورهای مختلف تأمین نمایند تا به یک کشور و به یک منطقه وابسته نباشند. آمریکا و اروپا تمایل دارند حتی خطوط انتقال نفت و گاز از ایران و روسیه نگذرد و در اجرای این هدف تا حدودی موفق بوده‌اند.<sup>(۹)</sup>

### رژیم حقوقی دریای مازندران پس از فروپاشی اتحاد شوروی

بعد از فروپاشی شوروی، پنج کشور ساحلی ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان تلاش زیادی به عمل آوردند تا هر یک سهم بیشتری از منابع نفت و گاز دریای مازندران داشته باشند. بدو دو راهکار در پیش گرفته شد: تکمیل رژیم حقوقی بر پایه پیمان‌های موجود بین ایران و شوروی (۱۹۲۱ و ۱۹۴۰) و یا تعیین رژیم حقوقی براساس شرایط موجود (Statous - que).

در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱ نمایندگان کشورهای ساحلی در آلماتی پایتخت قزاقستان گردهم آمدند و اجرای تعهدات



ناشی از قراردادهای موجود را پذیرفتند. در اجلاس ۱۷ فوریه ۱۹۹۲ تهران تأسیس «سازمان همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر» پذیرفته شد.<sup>(۱۰)</sup>

در ۱۵ و ۱۶ مه ۱۹۹۵ معاونان وزارت خارجه پنج کشور ساحلی در آلماتی، تعیین رژیم حقوقی، بهمدیران کل حقوقی وزارت خارجه کشورهای ساحلی محول و در اجلاس ۲۸ و ۲۹ ژوئن ۱۹۹۵ تهران اعلام شد که تصمیمات مربوط براساس اتفاق آراء به عمل خواهد آمد. در نشست ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ عشق آباد توافق‌های دوجانبه و سه‌جانبه در مورد رژیم حقوقی مردود اعلام گردید. گرچه در نهایت همین شیوه عملاً به مرحله اجرا گذاشته شد. پس از اجلاس عشق آباد، روسیه مانور بزرگ هوایی - دریایی در دریای مازندران برگزار کرد.

## رژیم حقوقی: مواضع کشورهای ساحلی جمهوری آذربایجان

سابقه تولید نفت این کشور به قرن نوزدهم باز می‌گردد. آذربایجان تا اوایل دهه ۱۹۵۰ حدود ۷۰ درصد نفت مصرفی شوروی را تأمین می‌کرد. تولید نفت از منابع قدیمی به تدریج کاهش یافت. براساس برآوردهای اخیر ذخایر ثابت شده نفت آذربایجان یک تا هفت میلیارد بشکه و گاز و ۱/۳۷ تریلیون مترمکعب است. آذربایجان در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۴، قرارداد نفتی مشهور به «قرارداد قرن» را برای توسعه حوزه‌های نفتی مناطق نفتی آذری، چراغ و گونشکی امضا نمود<sup>(۱۱)</sup> که مورد اعتراض ایران و ترکمنستان قرار گرفت.<sup>(۱۱)</sup>

### نقشه شماره ۱. نفت و گاز آذربایجان



۱. شرکت‌های عضو کنسرسیوم عملیات بین‌المللی آذربایجان عبارتند از:

- (الف) شرکت‌های آمریکایی: اکسون ۸ درصد، اموکو ۱۷/۱ درصد، یونو کال ۱۰ درصد، پنس اوپل ۴ درصد، رامکو ۲/۱ درصد و شرکت‌های دیگر آمریکایی اکسون موبیل، شورون، تکزاکو، فیلیپس و هالی برتون.
- (ب) شرکت‌های اروپایی: بی پی ۱۷/۱ درصد، رامکو انگلیس ۲/۰۸ درصد، استات اوپل نروژ ۸/۵۶ درصد، لوک اوپل روسی ۱۰ درصد و شرکت‌های رویال داچ شل، توتال فرانسه و آجیپ ایتالیا.
- (پ) شرکت‌های آسیایی: شرکت ملی نفت آذربایجان، SOCAR ۱۰ درصد، تاپو ترکیه ۶/۷۵ درصد، ایتوچی ژاپن ۳/۹۲ درصد، دلتا نیمر عربستان ۱/۶۸ درصد، ۵ درصد سهم ایران به ترکیه واگذار شد.



## اختلاف آذربایجان با همسایه‌ها

۱. قره‌باغ: آذربایجان چند سال با ارمنستان جنگید. هنوز ۱۶ درصد خاک آذربایجان در تصرف ارمنستان است. ارمنستان بین آذربایجان و نخجوان قرار گرفته است.
۲. میدان نفتی کیا پاز: ترکمنستان این میدان را از آن خود می‌داند و آن را «سردار» می‌نامد.
۳. میدان نفتی البرز: ایران این میدان را متعلق به خود می‌داند و یکبار با اعزام ناو جنگی به دولت آذربایجان و شرکت نفت BP هشدار داد.
۴. مناطق باتومی: گرجستان ادعای مالکیت این مناطق را دارد. پاسخ آذربایجان در برابر اعتراض کشورهای همسایه:
  - آذربایجان مدعی است که قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در زمینه حقوق برابر ایران و شوروی مربوط به مسایل کشتیرانی و ماهیگیری است و اشاره‌ای به منابع نفت و گاز زیر بستر دریا ندارد.
  - بهره‌برداری از منابع نفتی فلات قاره آذربایجان از سال ۱۹۴۵ آغاز شد و هیچ‌گونه اعتراضی از سوی طرفداران قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به عمل نیامد.<sup>(۱۳)</sup>
  - با توجه به دگرگونی بنیادین معموله در حوزه خزر و براساس اصل Rebus Sic Stautibus به معنای «احکام در ازمنه مختلف دچار تغییر می‌شوند» و اصل Clean state یعنی «دولت پاک» یا به فراموشی سپردن خصومت‌ها یا اشتباهات گذشته، کشورهای تازه استقلال یافته دارای آزادی عمل و مواضع مستقل می‌باشند و می‌توانند بر آب‌های سرزمینی خود حاکمیت داشته و برای بهره‌برداری از منابع نفتی خود با شرکت‌های خارجی قرارداد منعقد نمایند.<sup>(۱۳)</sup>

## فدراسیون روسیه

مواضع روسیه در ادوار مختلف به شرح زیر بازتاب یافته و اجرایی گردید:

در ابتدا روسیه، از موضع سابق خود مبنی بر معتبر بودن قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ منعقد بین ایران و شوروی سابق یعنی استمرار رژیم مشاع حمایت نمود. روسیه خزر را یک «دریاچه بسته» و یا یک دریای داخلی که به صورت طبیعی با دریاهای آزاد ارتباط ندارد، می‌داند. بنابراین شامل کنوانسیون بین‌المللی نمی‌شود و در نتیجه منابع نفت و گاز زیر بستر دریا در حکم ثروت مشترک بوده و لذا باید به طور مشترک توسط کشورهای ساحلی به صورت برابر مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

روسیه، کشورهای جهان را به دو دسته تقسیم می‌کند: کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی سابق را «خارج نزدیک» و سایر کشورها را «خارج دور» اعلام می‌کند.<sup>(۱۴)</sup> هدف از این تقسیم‌بندی جلوگیری از نفوذ کشورهای غربی در منطقه بود که در عمل موفقیت‌آمیز نبوده است.

سفیر دائمی روسیه در سازمان ملل متحد، با ارسال یادداشتی به دبیرکل سازمان در پنجم اکتبر ۱۹۹۴، قرارداد نفتی جمهوری آذربایجان با شرکت‌های نفتی امریکایی، اروپایی و آسیایی مشهور به «قرارداد قرن» را محکوم و

غیرقانونی اعلام و از تقسیم‌ناپذیر بودن دریا پشتیبانی نمود.<sup>(۱۵)</sup> در این یادداشت تأکید گردیده بود، چون خزر به صورت طبیعی به اقیانوس راه ندارد، لذا مفاد قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در مورد دریا حاکم بوده و کشورهای اطراف دریا موظف به رعایت آن می‌باشند و اضافه نمود تغییر رژیم حقوقی مستلزم توافق همه‌جانبه تمام کشورهای ساحلی است، لذا تا دستیابی به این نوع توافق تصمیم در بهره‌برداری از زیر بستر دریا باید با مشارکت همه کشورهای ساحلی صورت پذیرد.

این سیاست روسیه تا ۱۹۹۶ ادامه یافت. به دلیل حمایت غرب از دولت جمهوری آذربایجان، به تدریج روسیه به این نتیجه رسید که دیگر قادر به جلوگیری از روند تقسیم نخواهد بود، لذا در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ پیشنهاد یک منطقه انحصاری اقتصادی به طول ۴۵ مایل دریایی برای هر کشور و بهره‌برداری از منابع موجود در ورای آن با ایجاد یک شرکت مشترک، ارائه نمود که خود گامی در جهت تقسیم دریای خزر بود، که البته با مخالفت دولت آذربایجان روبه‌رو گردید.

روسیه، در ژوئیه ۱۹۹۸، موافقت‌نامه‌ای با قزاقستان به امضا رسانید که برابر آن بخش شمالی خزر را به دو ناحیه روسی و قزاقی تقسیم نمودند و روسیه ادعای مالکیت قزاقستان، بر نفت کنار ساحل قزاقستان را به رسمیت شناخت ولی کشتیرانی و ماهیگیری آزاد بوده و مورد استفاده مشترک قرار می‌گیرد. در واقع با امضای این قرارداد، روسیه به تقسیم دریا رضایت داد و همچنین روسیه امتیازات نظامی، سیاسی و امنیتی را بر منافع اقتصادی ترجیح داده است. این توافق‌نامه مورد اعتراض ایران و ترکمنستان قرار گرفت. گرچه روسیه در پاسخ ایران و ترکمنستان اعلام نمود که توافق‌نامه مطروحه به معنای تقسیم دریا نبوده بلکه به اعتبار قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ پایبند است. روسیه در زمستان ۲۰۰۱، موافقت‌نامه مشابهی با آذربایجان به امضا رسانید و در این قرارداد توانست موضع آذربایجان را به موضع قزاقستان برای تقسیم دریا نزدیک کند. ویکتور کالیو ژنی، نماینده ویژه وقت روسیه در این مورد اظهار نمود: «موضع ایران به مرور زمان ملایم‌تر خواهد شد. این کشور مجبور است موضع خود را در اقبال خزر تغییر دهد».<sup>(۱۶)</sup>

روسیه با دریافت ۱۰ درصد سهم کنسرسیوم نفتی آذربایجان، دریافت اجازه مشارکت شرکت‌های نفتی و گازی روسی لوک اویل و گاز پروم در کاوش منابع نفت و گاز زیر بستر دریای کشورهای آذربایجان و قزاقستان و نیز دریافت موافقت این کشورها با عبور لوله‌های نفت و گاز از ماوراء خزر با تقسیم دریا و انعقاد قرارداد دوجانبه با قزاقستان و آذربایجان موافقت نمود.

بدین ترتیب روسیه با تقسیم بستر دریا از منابع نفتی و گازی مانند دو میدان «خالینسکی» و «سنترالنسی» نزدیک قزاقستان بهره‌مند گردید و امیدوار است در عملیات اکتشاف و بهره‌برداری از منابع جمهوری‌ها شرکت نماید. کنترل منابع انرژی و لوله‌ها موجب قدرت روسیه و کسب امتیاز اقتصادی از دولت‌های غربی مصرف‌کننده نفت و گاز خواهد شد. روسیه با استفاده از قدرت تکنولوژی برتر و تجارب بیشتر می‌تواند در کشتیرانی و ماهیگیری در سطح دریا دست بالا را داشته باشد و نیروی دریایی روسیه قادر خواهد بود در سطح دریا که مشاع می‌باشد، پرچم روسیه را به عنوان سمبل قدرت سنتی روس به نمایش بگذارد.<sup>(۱۷)</sup>

براساس برآورد آژانس اطلاعات انرژی آمریکا، ذخایر گاز روسیه ۱۶۸۰ تریلیون فوت مکعب یعنی بیش از دو برابر ذخایر گاز ایران - دومین کشور دارنده منابع غنی گاز - است. در حال حاضر گاز پروم روسیه ۳۵ درصد گاز موردنیاز جهانی را تأمین می‌کند و به ۲۲ کشور جهان گاز صادر می‌نماید. روسیه تقریباً به‌سیاری از کشورهای تازه استقلال یافته غرب روسیه، کشورهای اروپای شرقی به‌صورت انحصاری نفت و گاز صادر می‌کند. روسیه ۴۱ درصد گاز موردنیاز انگلستان، ۳۶ درصد گاز مصرفی آلمان از طریق دریای بالتیک ۲۷ درصد گاز ایتالیا و ۲۵ درصد گاز وارداتی فرانسه و از طریق دریای سیاه بخشی از گاز موردنیاز ترکیه را تأمین می‌کند.<sup>(۱۸)</sup>

در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۷ گاز پروم روسیه یک قرارداد برای احداث خط لوله از زیر دریای سیاه جهت انتقال گاز از روسیه به بلغارستان و ایتالیا امضا نمود. طول این خط ۹۰۰ کیلومتر است، به‌این ترتیب اروپا تا حدودی به‌نفت و گاز روسیه وابسته می‌گردد. همچنین روسیه تلاش می‌کند تا نقشی همانند عربستان در سازمان OPEC در OGEC - سازمان کشورهای صادرکننده گاز بازی کند.<sup>۱</sup> روسیه با بیشترین حجم ذخایر گازی جهان و بیشترین تولید و صادرات می‌کوشد تا جایگاه مهم تصمیم‌گیری را در سازمان نو نهاد OGEC ایفا نماید. روسیه با عضویت و داشتن حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد و عضویت دائم در اوپک، قدرت سازمان کشورهای صادرکننده برای تعیین قیمت گاز را افزایش خواهد داد.

## ایران

در اولین اقدام در بهمن ۱۳۷۰ در نشست تهران، طرح تشکیل «سازمان همکاری کشورهای ساحلی خزر» را ارائه کرد. ایران تا سال ۱۹۹۴ دیدگاه آشکار و اعلام شده‌ای به‌جز همان قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ راجع به رژیم حقوقی دریای خزر نداشت. اما وقتی در ۱۹۹۴ قرارداد آذربایجان با شرکت‌های نفتی امضا شد، ایران و روسیه در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۴ در تهران بیانیه‌ای منتشر و خاطرنشان نمودند که هیچ کشور ساحلی نمی‌تواند بدون موافقت سایر کشورهای ساحلی اقداماتی انجام دهد که منجر به تقسیم دریا گردد. در ۸ سپتامبر ۱۹۹۷ توسط نماینده دائمی خود در سازمان ملل طی یادداشت تسلیمی به دبیرخانه اعلام نمود برابر قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ «خزر دریای مشترک ایران و شوروی است» و ۱۰ مایل از نوار ساحلی دریا به‌عنوان منطقه انحصاری ماهیگیری منظور گردیده و کشورهای جدید الاستقلال ملزم به رعایت قراردادهای فوق می‌باشند.

ایران در یادداشت ۳ سپتامبر تسلیمی به سازمان ملل متحد، توافق ۲۷ فوریه ۱۹۹۷ قزاقستان و ترکمنستان را مورد اعتراض قرار داده و دو کشور مزبور توافق کردند، تا هنگامی که نظام حقوقی دریای خزر مشخص نشده، مرزهای اداری و سرزمینی دو کشور براساس خطی که از وسط دریا می‌گذرد مشخص کنند.<sup>(۱۹)</sup>

به‌طور کلی ایران معتقد است:

تا زمانی که رژیم حقوقی دریای خزر با توافق همه‌جانبه کشورهای ساحلی تعیین نشده، رژیم فعلی بر پایه

۱. اساسنامه اوپک سال ۲۰۰۸ در روسیه به‌تصویب رسید. مقر آن در دوحه است. یازده کشور عضو و پنج کشور ناظر عبارتند از: ایران، قطر، اندونزی، مالزی، امارات و بروئی از قاره آسیا - مصر، الجزایر، لیبی و نیجریه از قاره آفریقا - ترینیداد، ونزوئلا، توباگو، بولیوی از قاره آمریکا - روسیه و هلند از قاره اروپا.

موافقت‌نامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ قابل اجراست و رژیم حقوقی جانشین توافقنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ با اتفاق نظر، حقوق مساوی همه کشورها و براساس اصل انصاف، حاکمیت تنها یک رژیم حقوقی، غیرنظامی شدن دریا و برتری حفظ محیط‌زیست باید تدوین گردد.<sup>(۲۰)</sup>

ضمناً موضع ایالات‌متحده در خصوص نقش ایران در منطقه، بر این دیدگاه استوار است که هرگونه نفوذ ایران در منطقه خزر - آسیای مرکزی - باید متوقف شود.<sup>(۲۱)</sup>

جمهوری آذربایجان سهم ایران از خزر را جنوب خط فرضی از آستارا به حسینقلی می‌داند. استنباط آذربایجان از خط فرضی آستارا - حسینقلی از این تصور ناشی می‌شود که چون در دوران شوروی برای تعریف منطقه اطلاعات پرواز<sup>۱</sup> (FIR) موافقت‌نامه هوایی ۱۹۶۴ میان ایران و شوروی برای تنظیم حوزه‌های پروازی هواپیماها تعریف شده بود، لذا خط زمینی - دریایی به موازات آن مرز مشترک ایران و شوروی در دریای مازندران می‌شود. در حالی که هرگز موفق به ارائه سندی که ثابت کند که خط فرضی FIR خط مرزی ایران و شوروی بوده، نشده است. دولت آذربایجان از FIR استنباط مرز می‌نماید ولی از صراحت عهدنامه ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ استنباط اشتراک دریا نمی‌نماید.<sup>(۲۲)</sup> این تحلیل آذربایجان ناشی از روابط نزدیک آن کشور با امریکاست.<sup>(۲۳)</sup>

تهران عقیده دارد که رویدادهای چند دهه اخیر در منطقه، در وضعیت مشابه با بازی بزرگ ژئوپلیتیک که توسط دو قدرت بریتانیا و روسیه در قرن ۱۹ در آسیای مرکزی ایفا شد، قرار دارد. در آن مقطع، بازی بزرگ منجر به جدا شدن سرزمین‌های وسیعی از ایران شد.<sup>(۲۴)</sup>

در حال حاضر شبکه فشار قوی گاز طبیعی ایران از ۶ نقطه به کشورهای همسایه اتصال دارد. انتقال گاز ایران به ترکیه و سوآپ گاز ترکمنستان اجرایی شده و لوله‌گذاری برای صدور گاز به پاکستان و سوآپ گاز روسیه و ترکمنستان به خلیج فارس را در دست بررسی دارد. ایران، رتبه چهارم را در انتقال و صدور گاز طبیعی در سطح جهان دارا می‌باشد.

## ترکمنستان

قانون اساسی ترکمنستان به پیروی از قانون روسیه، ۱۲ مایل دریای سرزمینی را به‌عنوان مرز دریایی، در ۱۹۹۲ تعریف نمود. ترکمنستان با جمهوری آذربایجان بر سر خط میانه و منابع نفتی بین دو کشور اختلاف نظر دارند. از جمله آنها منابع نفتی آذری، چراغ و کیاپاز ترکمنی یا سردار جمهوری آذربایجان است. آذربایجان امیدوار است که از همکاری‌های نظامی با امریکا سود برده و مسئله منابع نفتی مورد اختلاف و همین‌طور سرزمین‌های آذربایجان در تصرف ارمنستان و بحران قره باغ و جدایی نخجوان از آذربایجان را به‌نحوی حل نماید.

در سال ۲۰۰۰، ترکمنستان شکایتی به سازمان ملل متحد تسلیم و خواهان مداخله آن سازمان برای جلوگیری دولت آذربایجان از اعطای امتیاز به شرکت‌های نفتی در مناطقی از دریا که بر آن مالکیت ندارد، شد و ایران هم اعتراض خود را با اعزام یک ناو جنگی و اختطاف به شرکت BP مسئول کاوش در منطقه مورد ادعای ایران است، ابراز نمود.

## قزاقستان

قزاقستان با ۹ میلیارد بشکه نفت خام و ۶۵ تریلیون فوت مکعب گاز یکی از کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی سابق است که همراه با آذربایجان بیشترین سهم را از مواهب انرژی برده‌اند. کنسرسیوم‌ها و شرکت نفتی و گازی امریکایی و اروپایی در صف قراردادهای چشمگیر این دو کشور ایستاده‌اند. شرکت امریکایی شورون<sup>۱</sup> در منطقه نفتی تنگیز ۵/۱ میلیارد دلار، شرکت (BG) بریتیش گاز و آجیپ ایتالیا با ۵ قرارداد به ارزش ۵ میلیارد دلار در منطقه زرخیز کاراشاگاناک و شرکت فرانسوی EIF الف و نفت و گاز فرانسه به اکتشاف منابع نفت پرداختند. امضای این قراردادها در خلأ سلطه شوروی امکان پذیر شد. محافل غربی با داشتن تجربه از فروپاشی اروپای شرقی و برچیده شدن دیوار برلین ۱۹۸۹ و وحدت دو آلمان ۱۹۹۰ دریافته بودند که فقط در صورت دگرگونی ساختار سیاسی منطقه و ایجاد نظام حکومتی همسو با غرب می‌توانند راه بهره‌برداری از ثروت انرژی این منطقه را برای خویش تضمین کنند. هیأت حاکمه امریکا در دوره جرج بوش این طرح را، با قدرت تعقیب و آن را در قالب یک تئوری به نام «طرح برای یک قرن جدید امریکایی»<sup>۲</sup> پیاده نمودند. در لیست طراحان این سیاست نام دیک چنی، همسرش لین چنی، لوئیس لیبی مشاور نومحافظه کار چنی، دونالد رامسفلد، پل ولفوویتز، ایوت آبرامز، سرپرست وقت بخش خاورمیانه شورای امنیت ملی، جان بولتون، ریچارد پرل، ویلیام کریستول و بروس جکسون معاون شرکت هواپیما سازی لاکهید - مارتین دیده می‌شوند. این مدیران ارشد طرح سیاست تهاجم به شرق را طراحی و پیاده کردند. نتیجه این اقدامات استقرار نیروهای سیاسی - نظامی و فنی امریکا و اروپا در منطقه بود.

## خطوط لوله انتقال نفت و گاز

امریکا و غرب همواره این تفکر را داشته‌اند که از نظر تأمین انرژی و مسیر انتقال آن تنوع وجود داشته باشد. این استراتژی را از عناصر مهم تأمین امنیت ملی خود تلقی می‌کنند. ذخایر نفت خزر نسبت به منابع نفت خلیج فارس به غرب نزدیک تر است و کشورهای همسود (روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان) عضو اوپک نیستند. بنابراین امریکا از طرح‌های انتقال نفت منطقه خزر و از مسیر شرق به غرب بیشتر از نظر تأمین، امنیتی و سیاسی نگاه می‌کند تا منافع اقتصادی و بدین ترتیب امریکا و غرب با روسیه به نحوی و با ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان به نحوی دیگر عمل نموده‌اند. بخصوص امریکا مایل است خط لوله انتقال نفت خزر از ایران و روسیه نگذرد و تاکنون در این مسئله موفق بوده است. البته روسیه با استفاده از ابزار سیاسی و نفوذ تاریخی خود در منطقه توانسته است سهمی از منابع و انتقال نفت منطقه را در اختیار بگیرد.<sup>(۲۵)</sup>

دولت‌های روسیه، ایران، ترکیه، افغانستان همواره تلاش داشته‌اند که خطوط لوله انتقال نفت و گاز حوزه خزر از کشور آنها عبور نماید. برای مثال، اگر لوله نفت به جای عبور از آذربایجان، گرجستان و ترکیه از ایران عبور می‌کرد، هزینه دریافتی در مقابل هر بشکه نفت حدود ۴ دلار یک درآمد سالانه هنگفتی را تشکیل می‌داد. امریکا و اتحادیه اروپا سعی دارند، به نفت یک کشور وابسته نباشند و لوله نفت بخصوص از کشور ایران و روسیه که خود

1. Chevron
2. Project for a New American Century (PNAC)

دارای نفت می‌باشند، عبور نکند. تمامی تلاش امریکا و اروپا به این طرح معطوف شد که تا مدتی که روسیه درگیر بحران‌های داخلی و کشورهای تازه استقلال یافته در پی تأمین منابع مالی و تکنولوژیکی هستند، سیطره خویش را حکمفرما کنند. لوله‌های نفت و گاز موجود (و در دست احداث) به شرح فهرست زیر است:

۱. خط لوله نفت باکو، تفلیس، ترکیه و بندر جبهان، طول لوله ۱۷۰۰ کیلومتر، ظرفیت ۹۰۰۰۰۰ تا یک میلیون بشکه در روز این لوله با نام طرح قرن، بزرگ‌ترین تغییر را در مسیر انرژی منطقه وارد کرد.

۲. خط لوله گازی باکو - تفلیس، ارض روم که به موازات خط لوله بالا در سال ۲۰۰۷ کشیده شد و اولین خط لوله گازی است که گاز حوزه دریای خزر را از طریق گرجستان و ترکیه به بازار اروپا منتقل می‌کند. اهمیت این خط لوله برای اروپا در تنوع بخشی به عرضه انرژی به اروپا و ممانعت از شکل گیری هژمونی شرکت گاز پروم روسیه بر بازار گاز اروپاست. ظرفیت آن ۷/۶ میلیارد متر مکعب در سال است که در فاز دوم می‌تواند تا ۲۰ میلیارد متر مکعب افزایش یابد.

۳. خط لوله باکو - گرجستان - روسیه بندر نووروسیسک (Novorossiysk) در شمال شرقی دریای سیاه. قبلاً این لوله از چین عبور می‌کرد اما به علت ناآرامی در چین از طریق داغستان عبور داده شد. طول لوله ۱۵۰۰ کیلومتر با ظرفیت انتقال نفت ۳۵۰۰۰۰ بشکه در روز است.

۴. خط لوله نفت باکو - گرجستان بندر سوپسا در دریای سیاه. طول لوله ۹۲۵ کیلومتر و ظرفیت آن تا ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز است.

۵. خط لوله CPC که نفت میدان تنگیز در قزاقستان را به بندر نووروسیسک می‌رساند. طول لوله ۱۴۴۰ کیلومتر و ظرفیت آن ۶۵۰۰۰۰ تا ۱۳۴۰۰۰۰ بشکه در روز است.

۶. خط لوله پیشنهادی ترانس خزر<sup>۱</sup> قرار است گاز کشورهای آسیای میانه را از زیر بستر دریای خزر به آذربایجان - گرجستان - ترکیه به اروپا منتقل کند. البته خط لوله‌ای هم برای انتقال گاز ترکمنستان و قزاقستان در امتداد دریای خزر به روسیه در مه ۲۰۰۷ امضا شد. علت استقبال از این خط لوله آن است که کشورهای آسیای مرکزی نیز به دنبال تنوع خطوط لوله برای صادرات و عدم وابستگی به یک کشور هستند.

۷. انتقال نفت توسط کشتی از قزاقستان به بندر نکا (SWAP = تعویض) با ظرفیت ۴۰۰۰۰ بشکه در روز. قزاقستان با پرداخت ۲ دلار در بشکه به ایران، معادل نفت خود را در خلیج فارس تحویل می‌گیرد.

۸. خط لوله گاز پیشنهادی قزاقستان به غرب چین با ظرفیت ۴۰۰ تا ۸۰۰ هزار بشکه در روز.

۹. خط لوله گاز ناباکو<sup>۲</sup> از باکو، تفلیس به ارض روم ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان، اتریش، و سرانجام که به آلمان خواهد رسید به طول ۳۳۰۰ کیلومتر.

این خط لوله گاز ایران را در ارض روم ترکیه به خط لوله گاز قزاقستان که از طریق ترانس خزر می‌رسد وصل می‌کند و سپس لوله از زیر دریای سیاه عبور کرده در آنکارا به این خط می‌پیوندد ولی انتقال گاز ایران به اروپا توسط امریکا و اتحادیه اروپا رد شد. نخست وزیر ترکیه رجب طیب اردوغان در ژانویه ۲۰۰۹ تأکید نمود که هرگز از این

1. Trans - Caspian Gas Pipeline  
2. Nabucco

لوله گاز در مناقشات سیاسی - اقتصادی به عنوان سلاح استفاده نخواهد کرد. در مقابل ترکیه ۱۵ درصد گاز عبوری را برای مصارف داخلی - نه برای فروش مجدد - دریافت خواهد کرد. با اینکه عبور لوله‌های نفت ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان از خاک ایران بسیار مطمئن تر، ارزان تر، سریع تر، صورت می‌پذیرفت، ایالات متحده ترجیح داد این لوله از طریق آذربایجان، گرجستان و ترکیه با طول ۱۱۰۰ کیلومتر عبور داده شود. (نقشه شماره ۲)

نقشه شماره ۲. لوله گاز نابوکو



جدول شماره ۱. ذخایر، تولید و مصرف نفت در حوزه دریای خزر

کشور	ذخایر اثبات شده میلیارد بشکه	تولید روزانه میلیون بشکه در روز	مصرف میلیون بشکه در روز
فدراسیون روسیه	۷۲/۳	۹/۳۰	۲/۵۷۴
قزاقستان	۳۹/۲	۱/۳۰	-/۱۹۲
آذربایجان	۷	۰/۳۲	-/۰۹۱
ترکمنستان	۰/۵	۰/۲۰	-/۰۹۸
بقیه کشورهای منطقه	۳	۰/۲۷	-/۲۳۵
جمع	۱۲۲	۱۱/۳۹	۳/۱۹۰

مأخذ: Bp Amoco Statistical Review 2006

### اتحادیه اروپا و مسئله نفت و گاز

روسیه ۲۵ درصد گاز مصرفی اتحادیه اروپا را تأمین می‌کند. در واقع اتحادیه اروپا شدیداً وابسته به گاز وارداتی از روسیه است، لذا یکی از اصلی‌ترین اهداف اتحادیه اروپا کم کردن وابستگی خود به نفت و گاز روسیه است. نگرانی اتحادیه اروپا از میزان بالای وابستگی به انرژی وارداتی از روسیه، از دوره کشمکش بین روسیه و اوکراین



بر سر قیمت گاز و قطع چند هفته‌ای صادرات گاز به اوکراین، افزایش یافته است و سوئد در حال حاضر رئیس اتحادیه اروپاست. زمستان سرد شمال اروپا و قطع احتمالی گاز حساسیت اروپا را بیشتر می‌کند. نکته نگران‌کننده دیگر اتحادیه اروپا، حمله نظامی اوت ۲۰۰۸ روسیه به جنوب گرجستان است. این حمله هنگامی به وقوع پیوست که اتحادیه اروپا با ۶ کشور از کشورهای تازه استقلال یافته، تعهدنامه «همکاری شرقی» امضا نمود که موجب نگرانی متقابل روسیه از افزایش نفوذ اتحادیه اروپا شده است. تنبیه گرجستان از سوی روسیه و متقابلاً تهدید آمریکا به اخراج روسیه از گروه هشت نشانه تیرگی روابط ناتو و روسیه و همبستگی اتحادیه اروپا و آمریکا با گرجستان است، چون مسئله امنیت عرضه انرژی به غرب و دسترسی به منابع انرژی حوزه خزر و رقابت با چین برای غرب حیاتی است. در واقع اصرار روسیه بر حفظ نیروهایش در گرجستان و ارمنستان با توجه به عبور خطوط لوله نفت و گاز از گرجستان به سوی اروپا صورت می‌گیرد، لذا صرفاً امنیتی نمی‌باشد. مخالفت ضمنی روسیه با خط لوله گازی پیشنهادی ترانس خزر و ناپاکو را بایستی از همین منظر مورد ارزیابی قرار داد. (نقشه شماره ۳)<sup>(۲۶)</sup>

روسیه از افراد تجزیه‌طلب گرجستان به عنوان ابزاری برای کاستن روند حرکت گرجستان به سوی غرب و به ویژه عضویت آن در ناتو استفاده می‌کند. نکته قابل توجه دیگر آن است که کشورهای تازه استقلال یافته نشان داده‌اند که می‌توانند به طرز ماهرانه‌ای میان اتحادیه اروپا و روسیه مانور داده و از رقابت دو طرف بهره‌مند شوند. اتحادیه اروپا ۵۰ درصد از منابع سوختی خود را وارد می‌کند که ۲۵ درصد آن از روسیه است. بنابراین واضح است که اتحادیه اروپا به دنبال نفت و گاز حوزه خزر به عنوان منبع سوخت جایگزین باشد.

### افزایش نیاز هند و چین به نفت و گاز

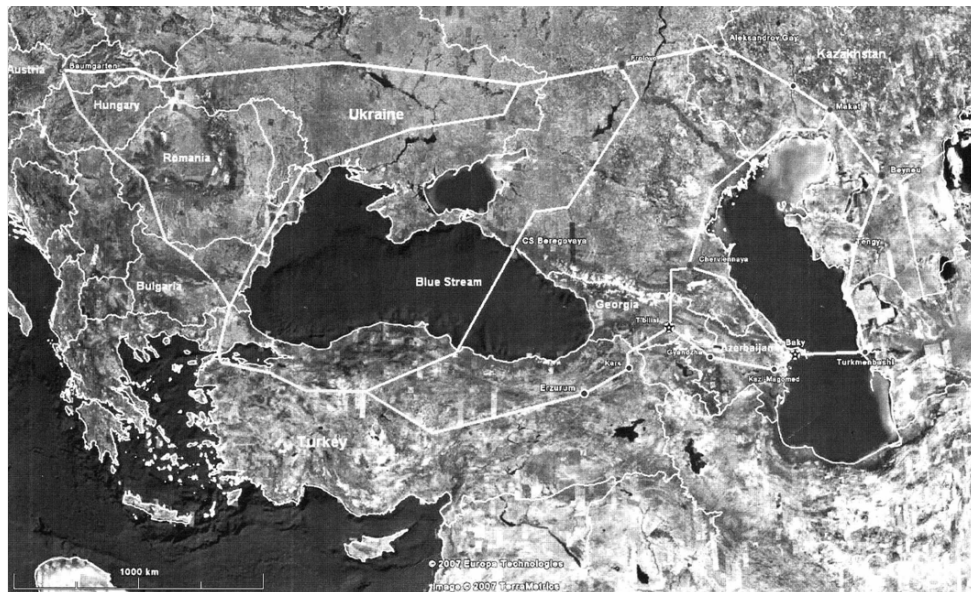
ایران اولین کشور صادرکننده بزرگ نفت به چین است. در واقع ۱۲ درصد نفت مورد نیاز چین (روزی ۷۳۰ هزار بشکه) از ایران تأمین می‌شود. عربستان با ۶۵۳ هزار و آنگولا با ۴۸۳ هزار بشکه بعد از ایران قرار دارند. در عین حال چین یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان اعتبار خارجی امریکاست. چین ۱۰ درصد از بدهی دولت آمریکا را تأمین می‌کند و از این طریق می‌تواند ماهرانه در بسیاری از مسائل حساس جهانی تأثیر گذار باشد.

هند با رشد اقتصادی ۸ درصد توانسته است رتبه چهارم اقتصاد جهان را کسب کند و پنجمین مصرف‌کننده بزرگ انرژی جهان است. هند حدود ۷۳ درصد از نفت مورد نیاز خود را وارد می‌کند. با این وصف شرکت هندی Reliance به ایران بنزین صادر می‌کند. هند در سال ۱۳۸۵ - ۱۳۸۴ در جایگاه چهارم و در سال ۱۳۸۶ در رده پنجم واردکننده محصولات پتروشیمی از ایران بود. مصرف نفت هند روزانه ۲/۵ میلیون بشکه است.

### راهبرد نفتی ایالات متحده آمریکا

چرا ایالات متحده در خلیج فارس، حوزه دریای خزر، آفریقا و آمریکای لاتین در جستجوی نفت است؟ چرا آمریکا آماده است جان سربازان و افسران خود را به خطر بیندازد؟ چرا آمریکا می‌خواهد برای داشتن کنترل میدان‌های نفتی بجنگد؟ چرا ایالات متحده، افغانستان و عراق را اشغال نظامی نمود؟ چرا ایالات متحده در کشورهای حوزه

### نقشه شماره ۳. لوله‌های نفت و گاز حوزه دریای خزر



خزر و به‌ویژه در کشورهای تازه استقلال، اقدام به انقلاب مخملی می‌نماید؟ چرا ایالات متحده در جمهوری‌های آذربایجان و قزاقستان اقدام به تأسیس پایگاه نظامی کرده است؟ و چرا آمریکا در ۱۴۸ کشور با استقرار ۲۵۵۰۰۰ نفر سرباز حضور نظامی دارد؟ هیأت حاکمه آمریکا در دوره ریاست جمهوری جورج بوش، «طرح برای یک قرن جدید آمریکایی»<sup>۱</sup> زیر عنوان «بازسازی دفاع آمریکا: استراتژی‌ها، نیروها و منابع برای قرن جدید» سیاست تهاجم به شرق را طراحی و پیاده کردند.

طراحان محافظه‌کار آمریکایی توانستند با کمک عده‌ای از کارشناسان و خبرگان امور شوروی سابق به یاری بازوهای اطلاعاتی برای پیشبرد طرح سیاسی - نظامی حضور آمریکا در روسیه و جمهوری‌های تازه استقلال یافته را با موفقیت اجرا نمایند. آنها توانستند نخست گروهی از کادر دیپلماسی و سرشناس روسی را همراه خویش سازند و به موازات آن تعدادی از مهره‌های غرب‌گرا را در پایتخت‌های منطقه به قدرت برسانند. گستره این نهادها به گونه‌ای بود که هیچ موضوعی از موضوعات از جنگ و صلح و نفت تا زمامداری از نگاه آنها دور نماند.

پیش‌نیاز اجرای این طرح که امکان اجرای همزمان را داشت، سه هدف مشخص بود: اول، روس‌زدایی و

1. Project for a New American Century (PNAC)

کاهش اقتدار بازماندگان روس در ساختار سیاسی، امنیتی و اداری جمهوری‌ها. دوم، به‌دست آوردن تضمین‌های سیاسی برای سرمایه‌گذاری کلان در مناطق نفتی و گازی ورود ترکیه به‌حوزه قفقاز و آسیای مرکزی که ترکیه توانست سیاست «سد نفوذ جدید» را مقابل دو رقیب ایران و روسیه پیاده کند و سوم، جلوگیری از حضور و نفوذ ایران در حوزه آسیای مرکزی. هنگامی که ایران، طرح اکو را مطرح و پیاده کرد، مسؤول وقت امور ملیت‌ها در روسیه در دولت یلتسین تهدید کرد که جمهوری‌های تازه استقلال یافته باید بین روسیه و ایران یکی را انتخاب نمایند. ایالات‌متحده در مرکز ثقل نظام سرمایه‌داری قرار دارد. هر بررسی برای شناخت استراتژی‌های امریکا به‌طور مستقیم به اقتصاد سرمایه‌داری امریکا ارتباط پیدا می‌کند. امریکا دارای بودجه ۷ تریلیاردی است و ۳۰ درصد انرژی جهان را مصرف می‌کند. کمی بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در اقتصاد سرمایه‌داری امریکا فعالیت دارند. تمامی رؤسای جمهور امریکا از دوره نیکسون، ریگان، کارتر، بوش پدر، کلینتون و بوش پسر در مسایل مربوط به نفت دارای دکتترین هستند. همه رؤسای جمهور امریکا از ۱۹۷۳ به‌بعد، همه مؤسسه‌های تحقیقاتی و مطالعاتی امریکا بر این استراتژی تأکید دارند که وابستگی امریکا به‌نفت وارداتی قطعی است و طرح‌های کاهش نسبی وابستگی تاکنون موفق نبوده و سبب آشفتگی‌هایی در سیاست خارجی و اقتصاد امریکا شده است، لذا هدف اصلی امریکا تأمین انرژی به‌هر شکل ممکن حتی جنگ و اشغال نظامی است. برنامه‌ریزی نظامی - اقتصادی در حوزه خزر و خلیج فارس حول همین محور می‌چرخد. در حال حاضر نفت ۴۰ درصد و گاز ۲۳ درصد انرژی مصرفی امریکا را تشکیل می‌دهد و ۵۸ درصد نفت و مواد سوختی و ۲۹ درصد گاز مورد نیاز امریکا باید از محل واردات تأمین شود. تا سال ۲۰۲۰ میزان نفت وارداتی به ۶۰ درصد خواهد رسید. این مطلب به‌معنای آن است که روند نزولی تولید نفت در امریکا که از نیمه دوم ۱۹۸۰ آغاز شده بود، به‌شدت کاهش و سیر صعودی نفت مصرفی، افزایش یافته است و هر چه فاصله تولید و مصرف بیشتر گردد، میزان وابستگی به‌نفت وارداتی شدیدتر می‌گردد.

ذخایر اثبات شده نفت امریکا ۲۹/۲ میلیارد بشکه، تولید روزانه ۷/۲۳ میلیون بشکه و مصرف روزانه ۲۰/۵۱۷ میلیون بشکه و واردات نفت ۱۳/۵ میلیون بشکه در روز است.

طبق برآورد وزارت انرژی ایالات‌متحده امریکا، ذخایر نفتی حوزه دریای مازندران ۱۷ تا ۲۳ میلیارد بشکه و با یک نظر بسیار خوش‌بینانه حداکثر ۱۸۰ تا ۲۳۰ میلیارد بشکه است. امریکا شدیداً از بروز بحرانی چون تحریم نفتی ۱۹۷۳ بیمناک است و لذا مایل نیست که به‌نفت یک کشور و حتی نفت یک منطقه وابسته باشد و به‌همین دلیل با تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی، مؤسسات مطالعاتی متعدد و برآوردهای مختلف مایل است مشکلات نفتی به‌بحران تبدیل نگردد. ایالات‌متحده حتی مایل نیست که متحدان اروپایی او وابسته به‌نفت یک منطقه باشند و حتی از عبور لوله‌های نفتی از یک کشور و به‌ویژه کشورهای بخصوصی همچون ایران و روسیه جلوگیری نموده است. بنابراین امریکا کاملاً آگاه است که هر قدرتی کنترل مناطق نفت خزر و محل‌های عبور لوله‌های نفت و گاز را در اختیار داشته باشد، علاوه بر تأمین نیازمندی‌های خود و هم‌پیمانانش و تأمین سود و برقراری امنیت اقتصادی، اهرمی استراتژیک در اختیار خواهد داشت که می‌تواند بر سیاست دوستان و دشمنان خود تأثیرگذار باشد.

## نتیجه گیری

در مورد منابع دریای خزر می توان مسئله را به دو دسته بیرون و درون منطقه دریای خزر تقسیم نمود:

الف) نگاه برون حوزه دریای خزر را می توان به شرح زیر تبیین نمود:

نگاه دولت ایالات متحده امریکا و شرکت های نفتی از منابع نفت و گاز، دریای خزر متفاوت است. دولت امریکا منطقه خزر را از زاویه سیاسی - امنیتی و شرکت های نفتی از زاویه اقتصادی - تجاری می نگرند. به علاوه دولت امریکا، تلاش دارد تا با بهره برداری از منابع انرژی دریای خزر، وابستگی خود را از منطقه خلیج فارس کاهش داده و شرایطی به وجود آورد که هم امکان تحریم مشابه بحران انرژی ۱۹۷۳ تکرار نگردد و هم با حداقل سرمایه و نیرو، بیشترین سود را در حداقل زمان حاصل نماید. در عین حال وابستگی کشورهای جدیدالاستقلال به روسیه و ایران کم و سلطه امریکا در منطقه افزایش یابد.

ب) نگاه درون حوزه دریای خزر عبارت است از اینکه، تاکنون مسائلی مانند ماهیگیری، هواشناسی و محیط زیست، بین کشورهای ذینفع حل شده و در مورد منابع کف دریا، سهم روسیه ۱۹، قزاقستان ۲۷ و آذربایجان ۱۸ درصد محاسبه و مورد توافق سه کشور قرار گرفته است. جمهوری اسلامی ایران عمدتاً مسئله را از زاویه امنیتی و سپس سیاسی - اقتصادی می نگرد. گفته می شود، ایران عملاً بیش از ۲۲ درصد دریا را زیر نظارت دارد ولی به لحاظ حقوقی هنوز توافق کشورهای همسایه را دریافت نکرده است.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. یزدانی، عنایت‌الله و ملیوس باف مهدیه، طرح‌های خط لوله انرژی در حوزه دریای مازندران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۵۰ - ۲۴۹، ۱۳۸۷، ص ۱۸۹.
۲. مجتهدزاده، پیروز، ولی، کوزه‌گر کالجی، خزر بر سر دو راهی درگیری و همکاری، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، ش ۵۵ - ۵۴، ۱۳۸۷، ص ۱۰.
۳. موسوی، میرطیب، مسایل سیاسی اقتصادی جهانی نفت، انتشارات مردم‌سالاری، ۱۳۸۴، ص ۲۰۰.
۴. نامی، محمدحسن، زیر ساختار داده‌های مکانی منطقه‌ای دریای خزر و خلیج فارس، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶، ص ۲۵.
۵. مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی سپاه پاسداران (ندسا)، خزر و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، نشر سایه روشن، ۱۳۸۱، ص ۱۰۵.
۶. بینا، علی‌اکبر، تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، صص ۱۲ - ۱۶.
۷. همان، صص ۱۲ - ۱۶.
۸. ملکی، عباس، ۱۱ سپتامبر و منافع جمهوری اسلامی ایران در خزر، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳، ۱۳۸۲، ص ۶۵.
۹. زرگری، هادی، رژیم حقوقی دریای مازندران و آثار آن بر امنیت ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۵۷ - ۲۵۸، ۱۳۸۷، ص ۷۷.
۱۰. همان، ص ۱۲۰.
۱۱. تقوی اصل، سید عطا، رژیم حقوقی دریای مازندران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۴۶ - ۲۴۵، ۱۳۸۶، صص ۵۸ - ۷۱.
۱۲. همان، ص ۵۱.
۱۳. همان، ص ۵۲.
۱۴. مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی سپاه پاسداران (ندسا)، پیشین، ص ۱۲۵ و فصلنامه خاورمیانه، ش ۵۴ و ۵۵، ص ۱۲۶.
۱۵. زرگری، هادی، پیشین، ص ۷۶.
۱۶. مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی سپاه پاسداران (ندسا)، پیشین، ص ۱۳۱.
۱۷. مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی سپاه پاسداران (ندسا)، همان، ص ۱۳۳.
۱۸. موسوی، میرطیب، پیشین، ص ۴۵.
۱۹. مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی سپاه پاسداران (ندسا)، پیشین، ص ۱۳۸.
۲۰. زرگری، هادی، پیشین، ص ۷۵.
۲۱. مجتهدزاده، پیروز، ولی، کوزه‌گر کالجی، پیشین، ص ۱۷۰.
۲۲. موسوی، میرطیب، پیشین، ص ۶.
۲۳. مجتهدزاده، پیروز، ولی، کوزه‌گر کالجی، پیشین، ص ۱۸۱.
۲۴. مجتهدزاده، پیروز، ولی، کوزه‌گر کالجی، همان، ص ۱۸۲.
۲۵. نفت، گاز، پتروشیمی، ش ۱۸، ص ۱۸.
۲۶. مرکز تحقیقات استراتژیک، ترانزیت انرژی، گرجستان، روسیه و سیاست همسایگی اروپا، ۱۳۸۷، ص ۴.